

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهر روز سورن
۱۰ سپتمبر ۲۰۲۳

استفاده ابزاری از گفتمان خشونت پرهیزی!



جمهوری اسلامی تحت هیچ شرایطی داوطلبانه از صحنه سیاسی کشورمان کنار نخواهد رفت. اساساً چهل و چند سال با خشن ترین و وحشیانه ترین رفتارها با مخالفان و منتقدان خود روبرو شده و با گذشت زمان نه تنها از پلیدی آن کم نشده که افزایش یافته است. امروزه چنانچه فردی، دسته ای و حزبی از امکان گذار از نظام با روشهای مسالمت آمیز بگوید نه تنها مزاح کرده است بلکه نشان میدهد که تاریخچه این حکومت نکبت را نخوانده و یا نمیداند. سالها پیش از سوی طیف اصلاح طلبان نظریه امکان اصلاح نظام بمثابه ابزار سیاسی و تبلیغاتی در اختیار گرفته شد، تجربه اش شکست خورد و مردم کشورمان بنابر تجربه عملی خود با شعار اصلاح طلب، اصول گرا دیگه تمومه ماجرا از آن گذر کردند. طرح دوباره گذار بدون خشونت و مسالمت آمیز در یک کلام ارتجاعی و تاریخ مصرف آن گذشته است. این سوال را نیز در برابر معتقدان به شعار گذار مسالمت آمیز از نظام حاکم باید قرار داد که با چه کسانی و چرا قرار است مسالمت آمیز رفتار شود؟ آیا صدها کشته یکسال اخیر توسط اراذل وحشی رژیم با نیرویی مسلح در خیابانها روبرو بودند؟ هواداران مبارزه خشونت پرهیز تئوری خود را چنین تبلیغ میکنند که بر حسب تجارب کسی در اینگونه مبارزه تا کنون کشته نشده است (ص. ۴۷ کتاب مبانی مبارزه خشونت پرهیز - ۱)

جنایتکاران حاکم عیار وحشی گری شان هرروزه درحال افزایش است و بدنه آنها نیز با شوق و ذوق در این جنایات شرکت می کنند و از شکاف درونی نیروهای سرکوب نیز شواهدی محکم در دست نیست. تنها زبان رویارویی آنها در چهل و چهار سال گذشته با جوانان، دانشجویان و دانش آموزان، معلمان و کارگران، بازنشستگان و فرهیختگان هنری و

فرهنگی زبان تفنگ و گلوله، ساچمه و باتوم، شوک الکتریکی، زندان و شکنجه و اعدام و تهدید است و از همینرو در هیچ شرايطی داوطلبانه کنار نخواهند رفت.

طرح هر نظریه سیاسی میبایستی متناسب با معادلات سیاسی واقعا موجود باشد. چنانچه نظریه منطبق با داده های سیاسی در شرایط انقلابی نباشد میتوان از آن بعنوان توهم نام برد. متوهمین نادان هستند زیرا نسبت به شرایط موجود آگاهی ندارند. اما اینها بخشی از هواداران گذار مسالمت آمیز با شعار محوری خشونت پرهیزی هستند. طیف دوم افراد، نهادها و احزابی هستند که با وجود علم و آگاهی به مختصات سیاسی اجتماعی موجود به تبلیغ این نظریه میپردازند. این طیف در پی تعویض مهره ها در میان بالایی ها هستند. به اراده عمومی مردم در مبارزات جاری تکیه نمیکنند و به نیروهای سرکوب موجود دلبسته اند.

با اوج گیری خیزش انقلابی مهسا تعدادی از نهادهای اپوزیسیون سیاسی رژیم در خارج از کشور و بالاخص طیف منسوب به رضا پهلوی از طریق قلم به مردها و بلندگوهای تبلیغاتی مزدور خود از جمله شبکه من و تو به تبلیغ و ترویج گذار مسالمت آمیز با توسل به مقاومت مدنی بدون خشونت می پردازند. این شبکه دهها رپرتاژ خودساخته و یا عاریتی در این خصوص خشونت پرهیزی و مقاومت مدنی بنمایش گذاشت که هنوز هم ادامه دارد. پیشتر ها هم بسیاری مطالب از سوی متفکرین آگاه بلحاظ سیاسی در مورد چرایی این نظریه نوشته شد و غالبا تاکید است از وحشت این طیف از دست خوردن به مناسبات سرمایه داری جاری و هراس از خودبخودی حوادث و برآمد سیاسی اجتماعی توده ها از پائین که میتواند کل مناسبات موجود را دچار تغییرات بنیادین کند. حال آنکه مناسبات سرمایه داری در ایران فارغ از آرزوها و نیات زیبای سوسیالیستها حتی اگر انقلاب زن، زندگی آزادی بثمر بنشیند، دست نخورده خواهد ماند زیرا که ابزار کافی برای دگرگونی بنیادین این مناسبات موجود نیست. نه بستر آن در میان پائینی ها بمثابة نیروی طبقاتی متحد با تشکل هایش مهیاست و نه بلحاظ روبنایی چپ کم و بیش شناخته شده قادر به هدایت آنهاست. پیش ترها هم نوشتیم که اگر یکباره قدرت سیاسی را به چپ سنتی و خانگی بدهند بلوغ سیاسی مکفی برای استفاده از این فرصت را ندارد و در خم و چم مناسبات فرقه ای مشغول به خود است. همگرایی های موضعی که در سالهای اخیر مشاهده کرده ایم اگر چه مفید اما در حوزه واکنش به بخشهای دیگر اپوزیسیون یا در میان رفاقت های دیرینه می گنجند و به همین علت فراگیر نشده و نمیتوان آنها را جدی گرفت.

واضح است که چنانچه میلیونها نفر از مردم کشورمان با همبستگی و همدلی علیه نظام حاکم بخروشد نظام را زمین گیر خواهند کرد. تنها و تنها این اراده عمومی میتواند شرايطی را فراهم کند که حاکمان نتوانند مناسبات ظالمانه کنونی را ادامه دهند. حقیقت دیگر این است که مبلغان گذار بدون خشونت و مسالمت آمیز از روند اوج گیری این مبارزات برای سرنگونی نظام دلخوش نیستند و آینده سیاسی خود را با معادلات کنونی همخوان و هم جهت نمی بینند زیرا که کلیت نظم کنونی را نمیخواهند جابجا کنند. مناسبات سرمایه داری کنونی آنچه است که میخواهند حفظ کنند و با رنگ و لعاب آزادی های فردی و اجتماعی تنها جابجایی ها در میان بالایی ها را تغییر دهند و بطبع آن خود جایگزین حکومتیان شوند.

واضح است که با داده های تاکنونی جنبش مهسا علیرغم افزایش تصاعدی گرانی و تورم و فقر، مناسبات موجود سرمایه داری هنوز بشکل بنیادین مورد نقد اجتماعی توده ها قرار نگرفته است. آنچه از عدالت اجتماعی و برابری در حوزه شعارها مطرح میشود در سایه آزادی های فردی و اجتماعی قرار دارد و این بخش از شعارها در اشکال عمومی و کلی مطرح بوده است. تردیدی نیست که در جنبش های توده ای و شتاب نوری حوادث و وقایع سیاسی تضمینی برای ثابت ماندن درخواستها و مطالبات توده ها نیست و میتواند این جنبش ها بسرعت رادیکالیزه شده و این مطالبات را

تعمیق بخشد. وظیفه انقلابیون این نیست که از تعمیق این درخواستهای توده ای پیشگیری کنند. حال آنکه طیف اصلاح طلبان و هواداران رضا پهلوی بخوبی با این قواعد آشنا و در پی ترمز زدن به ارابه پیشرفت این جنبش ها هستند. به همین علت امید خود را نه به نیروی لایزال توده ها که به بدنه دستگاه سرکوب رژیم حاکم مثل سپاه، ارتش و بخشا بسیج بسته اند. پیامهای مکرر رضا پهلوی و سایر مسالمت جویان به فرماندهان و بدنه این نیروها از این جهت است. عبارت دیگر تئوری مبارزه خشونت پرهیز با معادلات کنونی کشورمان را میتوان از زاویه دید دو نیروی سیاسی و اجتماعی ارزیابی کرد. طیف اول طیفی است که منتفر از خشونت و خونریزی بهر شکل آن در جامعه است که اغلب در نهادهای حقوق بشری میتوان آنها را یافت. این طیف بنابر هویت و علل وجودی خود نمیتواند مبلغ خشونت در هر شکل آن باشد حال آنکه این منش و روش فعالیت در روند انقلاب مهسا و در یکسال اخیر در پیچ و خم حوادث جاری، قدرت بسیج و سازماندهی مبارزاتی را از آنها گرفته است. این طیف حتی حاضر نیست برای همان مفاد حقوق بشر مبارزه کند و در حیطه افشاگری و گزارشگری درجا میزند.

به تعبیری دیگر فعالیت آنها در یکسال اخیر عقیم بوده است چرا که لازمه دخالت در سیاست و مبارزات مردمی همراهی با مطالبات آنها بوده است. همان مطالباتی که در راس آن سرنگونی نظام مد نظر بوده است و از شعارهای محوری انقلاب زن، زندگی، آزادی بوده و هست. به اعتقاد من این طیف در توهم بسر میبرد و حتی از حدود و صغور حق مقاومت در برابر وحوش اسلامی که در مفاد و میثاق حقوق بشر قید شده است نیز به بهانه خشونت پرهیزی، عدول می کنند. طیف دوم اما نیروهایی هستند که هراسشان از شتاب حوادث و وقایع سیاسی و روند رادیکالیزه شدن مبارزات است.

این طیف و در راس آن هواداران رضا پهلوی و رسانه های شخصی و خصوصی آنها تلاش دارند تا ریسمان پیشروی جنبش را محکم در اختیار داشته باشند مبدا به مناسبات اقتصادی موجود خدشه ای وارد شود. آنها با مناسبات اقتصادی موجود مشکلی ندارند. آنچه این طیف خواستار آنست تغییرات سیاسی در بالا است و جابجایی را در این حوزه همراه با حفظ دستگاههای سرکوبش مد نظر دارند. این در حالی است که مشکلات معیشتی، بیکاری، مشکل مسکن، گرانی و تورم از جمله مهمترین محرک های اعتراضات چند ساله اخیر بوده است. جالب اینجاست که رضا پهلوی بعنوان صاحب اصلی تلویزیون من و تو با حضور در برنامه شبانگاهی امید آ ام و در گفتگو با یکی از مخاطبان از صحت و درستی شعار محوری اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا میگوید حال آنکه این شعار تاکیدی بر فاصله گرفتن سطح مبارزات مردم کشورمان از توهم اصلاح پذیری جمهوری اسلامی و رویای برگزاری رفراندوم در حضور حاکمان کنونی بوده است.

۲۰۲۳/۰۹/۰۸

۱ - مبانی مبارزه خشونت پرهیز

[https://www.aasoo.org/sites/default/files/aasoo_ftp/flipping_book/Mabani/HTML/46/index.ht](https://www.aasoo.org/sites/default/files/aasoo_ftp/flipping_book/Mabani/HTML/46/index.html)

[ml](https://www.aasoo.org/sites/default/files/aasoo_ftp/flipping_book/Mabani/HTML/46/index.html)